

حجاب ۲ نیاز اجتماعی زنان

فلسفه حجاب از مسائل مهمی است که آگاهی از آن می‌تواند یکی از پایه‌های تحقق فرهنگ پوشش اسلامی گردد و به آن عمق و معنا بخشد، زیرا به این سؤال مهم بانوان که «چرا باید با حجاب باشیم» پاسخ می‌دهد.

محمد مهدی بهداروند

امروزه با وجود سوء استفاده‌هایی که دنیای غرب از وجود زن دارد، به خوبی می‌توان به رمز تأکیدات دین اسلام بر حجاب و فلسفه و فواید آن پی برد. آیا زن این حقیقت عبریان و کالامنشی است که در دنیا به نمایش آمده است؟

با نگاهی به آموزه‌های اسلام می‌توان دریافت که زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی شایسته و جایگاهی والا و الهی است که می‌تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت بار یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت یعنی خلیفه و جانشین خدا گردد.

وجود زن زینت‌بخش آفرینش انسان است و آفق روح او تجلی‌گاه رحمت. دامن زن مدرسه بشر است و کمال مرد بدون او ممکن نیست. زن مظهر ظرافت و وجود جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده کلاس درس اوست. و بر همین اساس زن مربی بشر است و می‌تواند با تربیت فرزند صالح، امتی را رهایی بخشد.

زن اگر موقعیت خود را در نظام آفرینش بیابد، حقیقت و ارزش خود را درک کند، بداند از کجا آمده است، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود از پوشش دینی به عنوان یک نیاز جدی بهره می‌گیرد و هرگز جامعه را صحنه نمایش تن و تحرکات جنسی خود قرار نمی‌دهد.^(۱)

فلسفه

و

ارزش

حجاب



زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی شایسته و جایگاهی والا و الهی است که می تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت بار یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت یعنی خلیفه و جانشین خدا گردد. وجود زن زینت بخش آفرینش انسان است و افق روح او تجلی گاه رحمت. دامن زن مدرسه بشر است و کمال مرد بدون او ممکن نیست. زن مظهر ظرافت و وجود جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده کلاس درس اوست. و بر همین اساس زن مربی بشر است و می تواند با تربیت فرزند صالح، امتی را رهایی بخشد.

قرآن عفت دختران شعیب را در حال چوپانی و آب دادن به گوسفندان در جمع مردان بازگو می کند. عفت و پاکدامنی مریم را در معبدی که همگان چه زن و چه مرد به پرستش می آیند، می ستاید و ...

پس حجاب و پوشش به معنی انزوا و گوشه گیری نیست و اصلاً با حضور اجتماعی منافاتی ندارد، بلکه همه زنان نمونه قرآن در متن فعالیت و پویایی جامعه هستند. در کشور عزیزمان پس از انقلاب اسلامی، زنان با حجاب و پوشش اسلامی را می بینیم که در همه جا حاضرند؛ در اداره ها، کارگاهها، راهپیمایی ها، دانشگاهها، رادیو و تلویزیون، سینما، بیمارستان ها، مراکز بهداشتی، مخصوصاً در مراقبت های پزشکی برای مجروحان جنگی و ...

کوتاه سخن اینکه وضع موجود در کشورمان پاسخ دندان شکنی است بر همه ایرادها، چرا که فلاسفه گفته اند بهترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است.

ناسازگار با شئون اسلامی اند و بازارشان نیز چندان بی رونق نیست؟

حجاب به هر شکل و رنگ و نمود مقبول که باشد، از مهم ترین عواملی است که مانع نفوذ شعاع نظر نظربازان و توجه آنها به اندام زن می باشد و در نتیجه زمینه ظهور و فعالیت انگیزه های عاطفی و فعالیت غریزه جنسی را در روابط اجتماعی از بین می برد و موجب کاهش تنش های حاصل از تحریک شهوت جنسی در مردان می شود.

به همین جهت در اسلام حجاب هم به عنوان دژ حفاظت زن و تأمین امنیت روانی و اجتماعی او مطرح است و هم برای حفاظت مردان از انحراف فکری و گرفتار شدن در توهمات حاصل از تحریک عاطفی غریزه جنسی می باشد.^(۲)

■ حجاب و فعالیت های اجتماعی

پوشش و حجاب زن به آن معنا نیست که از فعالیت های اجتماعی دست کشیده و در کنجی زندانی شود.

با همه وجود جای تأسف است که چرا هنوز برای بسیاری از زنان، بخصوص در جوامع شهری، خروج از عروسکی زیستن و ساختگی بودن، نیز پذیرش پوششی که بتواند جامعه و آنها را از فساد حفظ نماید مسئله ای است بس سنگین؟ مگر نه این است که لباس باید برای انسان باشد و نه انسان ابزار برای عرضه پوشاک؟ پس چرا ممانعت از غربی نمودن، و جامعه را به بی بند و باری کشاندن برای بعضی موجب دلخوری و مخل آزادی است؟ چرا هنوز که هنوز است به کار گرفتن کلمات فرنگی و اصطلاحات سوغاتی غربی در محاورات روزمره و مقالات و سخنرانی ها نشانه کمال فرد و علامت رشد او تلقی می شود؟ مگر نه این است که برای مسلمان، کافر و حرکاتش بی ارزش است و تشبه به آنان زشت و گناه؟ پس چرا مسلمان گناه را صواب می شمرد؟ چرا علی رغم همه ممنوعیت ها و محدودیت های ایجاد شده به وسیله دولت، باز پاره ای از اصناف، توزیع گر و حتی تولیدکننده پوشاک، خوراک و وسایل غیر ضروری غربی و

حجاب به هر شکل و رنگ و نمود مقبول که باشد، از مهم‌ترین عواملی است که مانع نفوذ شعاع نظر نظریازان و توجه آنها به اندام زن می‌باشد و در نتیجه زمینه ظهور و فعالیت انگیزه‌های عاطفی و فعالیت غریزه جنسی را در روابط اجتماعی از بین می‌برد و موجب کاهش تنش‌های حاصل از تحریک شهوت جنسی در مردان می‌شود.

به همین جهت در اسلام حجاب هم به عنوان دژ حفاظت زن و تأمین امنیت روانی و اجتماعی او مطرح است و هم برای حفاظت مردان از انحراف فکری و گرفتار شدن در توهمات حاصل از تحریک عاطفی غریزه جنسی می‌باشد.

■ دو ویژگی مهم لباس

لباس و پوشش فواید خوب و بی‌همتایی دارد که از آن جمله است محفوظ ماندن از سرما و گرما، عریان نبودن بدن در مقابل دیگران، مزین بودن بدن به وسیله لباس به طرح‌ها و رنگ‌های مختلف و محفوظ بودن از خطرهای مختلف و عیوب جسمانی و ... «یا بنی آدم قد آنزلنا علیکم لباساً یواری سواآتکم و ریشاً؛^(۳)»

ای فرزندان آدم! لباس برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست.» قرآن دو ویژگی مهم لباس را مطرح می‌کند: یکی پوشش اندام که خود ثمرات زیادی دارد، دوم لباس مایه زینت است برای بشر.

اما متأسفانه در عصر ما جنبه‌های فرعی و حتی نامطلوب و زننده لباس شیوع و گسترش یافته که فواید اصلی لباس را تحت الشعاع خود قرار داده است. متأسفانه لباس که عاملی بود برای حفظ بشر از خطرهای مختلف، امروز

تبدیل شده به وسیله‌ای برای به خطر افتادن بشر؛ و از این رو تجمل‌پرستی، توسعه فساد، تحریک شهوات، خودنمایی و تکبر، اسراف و ... را می‌توان مصداق چنین رویکرد جدیدی دانست؛ گاه بعضی از لباس‌ها به همه چیز شبیه است جز به لباس، که اینان این گونه لباس را به هر عنوانی می‌پوشند جز به عنوان لباس پوشیدن و پوشش بدن.

■ فطری بودن حجاب

حجاب و پوشش در ذات و فطرت بشر نهاده شده است. داستان آدم و حوا می‌تواند دلیلی روشن برای این مدعا باشد.

در قرآن آمده است:

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ؛^(۴)»

... چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان (مانند عورات و سایر

زشتی‌های پنهان) آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بیوشانند ...»

قرآن کریم حجاب و پوشش را هدیه‌ای آسمانی می‌خواند:

«یا بنی آدم قد آنزلنا علیکم لباساً یواری سواآتکم و ریشاً و لباساً الثَّقَوِی ذَلِکَ خَیْرٌ ذَلِکَ مِنْ آیَاتِ اللّهِ لَعَلَّكُمْ یَذَّکَّرُونَ؛^(۵)»

ای فرزندان آدم! ما لباسی را که ستر عورت شما کند و جامه‌های زیبا و نرم برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست باشد که خدا را یاد آرند.»

قرآن کریم، برهنگی و کنار گذاشتن لباس را دامی می‌داند که شیطان در مسیر انسان قرار داده، آن را مخالف با فطرت بشر می‌داند و انسان‌ها را از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می‌دارد. در سوره اعراف آمده است:

«یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنة یترع عنهما لباسهما یبویهما سواآتیهما إنه یراکم هو و قبیله من

سیاسی
اجتماعی



خَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ
لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛^(۶)

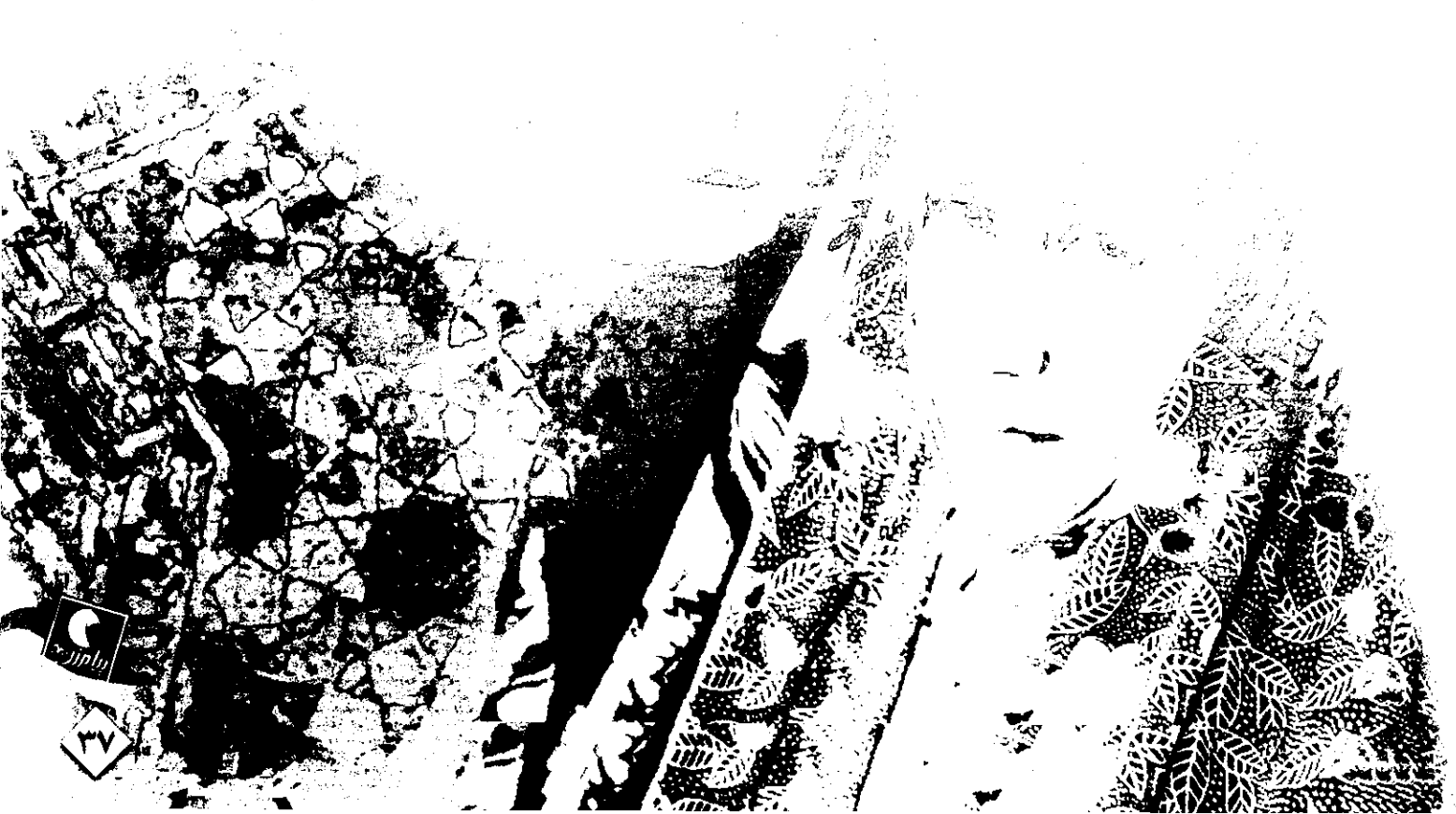
ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را
فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از
بهشت بیرون کرد و لباس‌شان را از
تن‌شان بیرون آورد و قبایح آنان را در
نظرشان پدید آورد. همانا شیطان،
خویشان و بستگانش شما را می‌بینند در
صورتی که شما آنها را نمی‌بینید. ما
شیطان را دوستدار آنان که به خدا ایمان
نمی‌آورند، قرار داده‌ایم.

با توجه به فطری بودن گرایش به
پوشش و تناسب قوانین الهی با غریز و
فطریات بشر، حجاب در همه ادیان الهی
تشریح شده است. تاریخ‌نگاران نیز وجود
حجاب را در بین پیروان ادیان الهی
گزارش کرده‌اند.

«ویل دورانت» مورخ مشهور، در مورد
حجاب زنان یهودی می‌نویسد: «در طول
قرون وسطی یهودیان همچنان نسوان
خویش را با البسه فاخر می‌آراستند لکن به
آنها اجازه نمی‌دادند که با سر عریان به میان
مردم روند. پوشاندن موی سر خلافی بود که
مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت.»^(۷)
او می‌نویسد: «اگر به نقض قانون یهود
می‌پرداخت، چنان که مثلاً بی‌انکه چیزی بر
سر داشت به میان مردم می‌رفت، و یا در
شارع عام نخ می‌ریست یا با هر سخی [=
گونه‌ای] از مردان درد دل می‌کرد یا ... در آن
صورت مرد حق داشت بدون پرداخت
مهریه‌ای او را طلاق دهد.»^(۸)

دکتر «مناخم یوایر»^(۹) استاد ادبیات
کتاب مقدسی در دانشگاه یشیوه
(Yeshiva) در اثرش به نام «زنان یهودی»
آورده است:

«زنان یهودی را رسم بر آن بوده است که
بدون روسری از خانه بیرون نروند. آنها حتی
گاهی اوقات جز یک چشم خود تمام صورت
را می‌پوشاندند.»^(۱۰)
از سوی دیگر بر اساس گفته کتاب
«زن به ظن تاریخ»، زنان اشکانی بر بالای
لباس‌های خود چادر می‌پوشیده‌اند.^(۱۱)
همچنین زنان عهد ساسانی، گاه
چادری گشاد و پُرچین به سر می‌کردند که
تا وسط ساق پا می‌رسید. نقش‌هایی که از
بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره
ساخته شده، نشان آن است که هر یک از
این بانوان، چادری به خود پیچیده
دارند.^(۱۲) در شاهنامه فردوسی نیز پوشش
زن ایران باستان، توصیف شده است، آنجا
که شیرین، همسر خسرو پرویز، در بارگاه
«شیرینه» می‌گوید:



بدانکه که من جفت خسرو شدم
 به پیوستگی در جهان نوشدم
 بگفت این و بگشاد چادر ز روی
 همه روی ماه و همه پشت، موی
 مرا از هنر موی بُد در نهان
 که آن را ندیدی کس اندر جهان
 نمودم همه پشت این جادویی
 نه از تنبل و مکر و از بدخویی
 نه کس موی او پیش از این دیده بود
 نه از مهتران نیز بشنیده بود^(۱۳)

پوشیدن چادر نه تنها در ایران که در
 دیگر مناطق نیز از دیرزمان رایج بوده
 است. «جرجی زیدان» دانشمند معروف
 مسیحی، در مورد حجاب زنان اروپا
 می‌گوید:

«اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن به
 وسیله چادر، روسری و... است، این موضوع
 قبل از اسلام و حتی پیش از دین مسیح در
 اروپا معمول بوده و مسیحیت هم در آن
 تغییری نداده است.»^(۱۴)

نویسنده کتاب فرهنگ البسه
 مسلمانان نیز از بوکینگهام که
 مسافرت‌هایی به بین‌النهرین داشته، نقل
 می‌کند: «زنان این دیار، چادر بزرگی از
 ابریشم مشکی، همان طور که در میان زنان
 توانگر قاهره مرسوم است، می‌پوشند.»^(۱۵)

همین نویسنده با نقل اینکه در
 تصویرهای سفرنامه «ویت‌مان»
 (سفرهایی به ترکیه آسیایی، سوریه و
 مصر) یک حبر (چادر ابریشمی
 سفیدرنگ) دیده می‌شود، می‌نویسد:
 «این مسافر در صفحه ۲۷۴ گوید: در
 اوقات دیگر، زنان چادر یا روپوش فراخ
 سیاهی می‌پوشند که تقریباً تمام بدن را
 می‌پوشاند و تا پاشنه‌های پا پایین
 می‌آید.»^(۱۶)

امروزه نیز این پوشش در بیشتر
 کشورهای عربی و از آن شمار عربستان،
 سوریه، الجزایر، عراق و بیشتر کشورهای
 حاشیه خلیج فارس معمول است.

تا پیش از سال پنجم هجری، بر زنان
 مسلمان واجب نشده بود که حجاب داشته
 باشند. در این سال، خداوند حکم حجاب
 را بر زنان رسول گرامی اسلام (ص) قرار
 داد و به مؤمنان دستور داد هر گاه از
 همسران پیامبر چیزی خواستند، از پشت
 پرده بخواهند:

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ
 وَرَاءِ حِجَابٍ»^(۱۷) هر گاه از زنان رسول
 متاعی می‌طلبید، از پس پرده
 بخواهید.»^(۱۸) سپس آنها را از تبرج و
 خودنمایی بازداشت.

اصولاً روش قرآن کریم در بعضی از
 احکام، تشریح تدریجی است. پس از این
 تاریخ حکم حجاب صادر می‌گردد و در
 مرحله بعد، همه زن‌های مؤمن به
 پوشاندن زینت‌های خویش از چشم
 نامحرمان وظیفه می‌یابند:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ
 يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا
 ظَهَرَ مِنْهَا»^(۱۹)

ای رسول، به زنان مؤمن بگو تا
 چشم‌ها و فروج و اندام‌شان را (از عمل
 زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش
 خود را، جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود، بر
 بیگانه آشکار مسازند.

واژه «زینت» به طور مطلق از
 مفهومی عام برخوردار است که هم زینت
 طبیعی (خلقی) و هم زینت اکتسابی
 (عارضی) را شامل می‌شود.

خلیل بن احمد فراهیدی می‌گوید:
 «زیبایی، نقیض زشتی است... و زینت، هر
 آنچه را به واسطه آن آراسته شود، در بر
 دارد.»^(۲۰)

فخر رازی نیز در این باره می‌نویسد:
 «بدان زینت نامی است بر زیبایی‌های
 مخلوق که خداوند آفریده و همین طور به
 آنچه انسان به وسیله آن آراسته و مزین

حجاب و پوشش به معنی انزوا و گوشه‌گیری نیست و اصلاً با حضور اجتماعی منافاتی ندارد، بلکه همه زنان نمونه قرآن در متن فعالیت و پویایی جامعه هستند.
در کشور عزیزمان پس از انقلاب اسلامی، زنان با حجاب و پوشش اسلامی را می‌بینیم
که در همه جا حاضرند؛ در اداره‌ها، کارگاهها، راهپیمایی‌ها،
دانشگاهها، رادیو و تلویزیون، سینما، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی،
مخصوصاً در مراقبت‌های پزشکی برای مجروحان جنگی و ...



می‌شود، مثل لباس و ... اطلاق می‌شود.»^(۲۱)

آیه شریفه بالا، زن را مأمور می‌کند که زینت‌هایش را بپوشاند و آنها را در مقابل چشمان نامحرم نهد. البته این حکم عام، در ادامه آیه در دو بُعد، تخصیص خورده و شامل استثناهایی می‌گردد. عبارت «إلا ما ظهر منها» اولین استثنا را بیان می‌کند. از این جمله نتیجه گرفته می‌شود که زینت زن به دو دسته زینت‌هایی که به طور طبیعی آشکار است و زینت‌هایی که به طور معمول پنهان است، تقسیم می‌گردد. در اینکه غیر وجه و کفین (دستها از میج به پایین) از زینت‌های پنهان زن به شمار آمده و پوشانیدن آنها واجب است، از لحاظ فقه اسلامی هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت، جزء ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و نه از نظر فتواها، در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد.^(۲۲)

فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن نیز از شمار زینت‌هایی است که خدا در مورد آن فرمود: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»؟ ایشان فرمود: «بلی، آنچه روسری آن را می‌پوشاند و بالاتر از دو دستبند، از شمار زینت است.»^(۲۳)

از مسعدة بن زیاد نقل است که می‌گفت: «شنیدم که از حضرت صادق (ع) در مورد زینت‌های آشکار زن سؤال شد، ایشان فرمود: صورت و کفین (دستها از میج به پایین)».^(۲۴) همچنین عایشه نقل می‌کند که از خواهرش اسماء در حالی که لباس نازکی به تن داشت، نزد رسول خدا (ص) آمد، حضرت روی از وی برتافت و فرمود: «یا اسماء إن المرأة إذا بلغت المحيض لم تصلح أن یرئی منها إلا هذا و هذا و أشار إلى وجهه و کفیه»^(۲۵) ای اسماء، زن هنگامی که به بلوغ می‌رسد، صحیح نیست که غیر از این قسمت و این قسمت از بدنش پیدا باشد و به صورت و کفین خویش اشاره کرد.

در بخش اول آیه، به زنان دستور داده شده زینت‌های خویش را آشکار نسازند. ظاهر این قسمت از آیه می‌نمایاند که گویی زن در مقابل جمیع افراد باید این دستور را اجرا کند، ولی ادامه آیه که بیانگر دومین استثنا است، با عبارت «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَیْسَ لِهِنَّ بِخُمْرٍ عَلَیْ جُیُوبِهِنَّ وَ لَا یُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَیْرَ أُولَی الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الذِّیْنَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَیْ غُورَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیَعْلَمَ مَا یُخْفِينَ مِنَ زَیْنَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَسَلِّطْنَا لَكُمُ التَّغْلِیظُونَ»^(۲۶) گروه دوازده‌گانه‌ای را از این عام، خارج می‌سازد. این گروه عبارت است از: ۱- شوهران؛ ۲- پدران؛ ۳- پدر شوهران؛ ۴- پسر شوهران؛ ۵- پسران؛ ۶- برادران؛ ۷- پسر برادران؛ ۸- پسر خواهران؛ ۹- زنان؛ ۱۰- مملوکان؛ ۱۱- خدمتکاران مردانی که از زن بی‌نیازند؛ ۱۲- کودکانی که از امور جنسی بی‌خبرند.^(۲۷)

پس از اینکه تاریخچه پوشانیدن زینت زن در اسلام و استثناهای آن نیز مشخص گردید، اینک باید از چگونگی پوشش و پنهان ساختن زینت، سخن به میان آورد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «للزوج ما تحت الدرع وللین وللأخ ما فوق الدرع و لغیر ذی محرم أربعة أنواع: درع و خمار و جلباب و ازار»^(۲۸) شوهر حق دارد به بدن زن که زیر پیراهن قرار می‌گیرد

پوشیدن چادر نه تنها در ایران که در دیگر مناطق نیز از دیرزمان رایج بوده است. «جرجی زیدان» دانشمند معروف مسیحی، در مورد حجاب زنان اروپا می‌گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن به وسیله چادر، روسری و ... است، این موضوع قبل از اسلام و حتی پیش از دین مسیح در اروپا معمول بوده و مسیحیت هم در آن تغییری نداده است.»

قرآن کریم، برهنگی و کنار گذاشتن لباس را دامی می‌داند
که شیطان در مسیر انسان قرار داده، آن را مخالف با فطرت بشر می‌داند و انسان‌ها را
از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می‌دارد.

نگاه کند و برادر و فرزند مجازند از روی پیراهن به بدن زن نگاه کنند، ولی در برابر نامحرم، باید چهار لباس پوشید: پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار.»

قرآن کریم نیز افزون بر صدور حکم پوشش زنان، برای تأمین حجاب بیشتر و بهتر آنها و همچنین پیشگیری از رواج سلیقه‌ها و مدل‌های نامطلوب لباس در مواجهه با نامحرم، دو شکل پوشش خاص، به نام «خمار» و «جلباب» را برای بانوان تعیین کرده است. (۳۹)

بر این اساس می‌توان ادعا کرد که همه ادیان الهی حجاب را بر زنان واجب دانسته‌اند. اسلام نیز که آخرین آئین الهی و کامل‌ترین ادیان است، آن را تصدیق کرده و لباس را هدیه‌ای الهی معرفی کرده، نه تنها پوشیدن موی سر، بلکه پوشیدن تمام بدن جز صورت و دست‌ها را به زنان مؤمن سفارش کرده است.

در حجاب اسلامی افراط و تفریط وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می‌کند به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در ارتباطات خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

قرآن کریم مردان و زنان مؤمن را سفارش می‌کند نگاههای خود را کنترل نمایند و حجاب خود را رعایت کنند؛ آنگاه

در اینکه غیر وجه و کفین (دستها از مع به پایین) از زینت‌های پنهان زن به شمار آمده و پوشانیدن آنها واجب است، از لحاظ فقه اسلامی هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت، جزء ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و نه از نظر فتواها، در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد.

قرآن کریم به جسم و روح و پاکدامنی زنان توجه زیادی دارد. قرآن تا آنجا به ابرو و شرافت زن توجه دارد که حتی اگر کسی به ناروا به زنی نسبت زنا دهد، شدیداً مجازات خواهد شد:

«وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^(۳۲) و آنان که به زنان مؤمنه با عفت نسبت زنا دهند، آنگاه چهار شاهد بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد ضربه تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید که مردمی فاسق و نادرستند.

■ دلایل وجوب حجاب

جوان مسلمان با طرح ضرورت و وجوب حجاب در اولین سؤال خود خواهد پرسید که بر اساس چه دلیل و استناد دینی مکلف به حجاب هستیم؟ این قسمت به طرح پاسخ‌هایی در این زمینه می‌پردازد.

۱. قرآن و سنت

تمامی کسانی که در وجوب حجاب بحث کرده‌اند، اولین و محوری‌ترین دلیل را آیات سوره نور و احزاب بیان کرده‌اند که عبارتند از:

برای زنان الزامی است؟ قرآن کریم جواب این پرسش را به روشنی داده فلسفه حکم حجاب را بیان کرده است. قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^(۳۱) ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای آنکه شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند، بهتر است و خداوند (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

حجاب زن مسلمان بر خلاف آنچه غربی‌ها می‌اندیشند، نشان مظلومیت او نیست. حجاب در اسلام محدودیت نیست، بلکه مصونیت است. حجاب اسلامی بر خلاف سنت مسیحی نشان و سمبل تسلط و اشراف مرد بر زن یا تبعیت زن از مرد نیست. حجاب اسلامی بر خلاف سنت یهودی سمبل تجمل‌گرایی و تبعیض و تمایز طبقه‌ای از طبقه دیگر نیست. حجاب در اسلام نشان تقوا، پاکدامنی و خداترسی زن مسلمان است، هدف و منظور از حجاب اسلامی مصونیت تمام زنان مسلمان است.

زنان مؤمن را تشویق و سفارش می‌کند علاوه بر پوشاندن موی سر، گردن و سینه خود را هم بیوشانند:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُوثَتِهِنَّ أَوْ لِأَبَائِهِنَّ أَوْ لِأَبْنَائِهِنَّ أَوْ لِأَخْوَاتِهِنَّ أَوْ لِبَنَاتِهِنَّ أَوْ لِبَنَاتِ أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ لِمَلَائِكَةِ أَيْمَانِهِنَّ أَوْ لِلتَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^(۳۰) ای رسول ما! مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بیوشانند و فروج و اندام‌شان را محفوظ بدارند ... ای رسول! زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را بیوشند و فروج و اندام‌شان را (از عمل زشت) محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بیوشانند.

قرآن پوشش و حجاب را برای زنان لازم و ضروری می‌داند. حال شاید این سؤال مطرح شود که چرا حجاب و پوشش

همه ادیان الهی حجاب را بر زنان واجب دانسته‌اند. اسلام نیز که آخرین آئین الهی و کامل‌ترین ادیان است، آن را تصدیق کرده و لباس را هدیه‌ای الهی معرفی کرده و نه تنها پوشیدن موی سر، بلکه پوشیدن تمام بدن جز صورت و دست‌ها را به زنان مؤمن سفارش کرده است.

در حجاب اسلامی افراط و تفریط وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می‌کند به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در ارتباط خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

آشکار بود. جوان چشم به او دوخت و چون از کنار یکدیگر گذشتند به دنبالش حرکت کرد و غافل از هر چیز به او خیره شده بود تا در کوچهای وارد شد و از فرط غفلت صورتش به استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود اصابت کرد و خون جاری گردید. وقتی زن گذشت و دیگر او را ندید متوجه شد که خون بر سر و سینه‌اش ریخته است. ناراحت شد. نزد خود گفت: به خدا قسم! نزد پیامبر خدا(ص) می‌روم و او را از این قضیه آگاه می‌کنم.

وقتی نزد رسول رفت و چشم حضرت به او افتاد پرسید: چه شده است؟

جوان ماجرای زن بی‌حجاب را توضیح داد. در این هنگام جبرئیل(ع) آیه فرو بستن چشم از زن نامحرم را نازل کرد؛ به دنبال آن بستن چشم از مرد نامحرم و همچنین پوشش زنان را نازل کرد و به صراحت بیان نمود که زنان زینت‌های (طبیعی و مصنوعی) خود را از نامحرم بپوشانند و مقنعه خود را بر سینه اندازند تا گردن و سینه آنها پوشیده گردد.»(۳۵)

یا کودکانی که از عورت زنان آگاه نیستند. و پای بر زمین نزنند که زیور پاهایشان معلوم گردد. ای مؤمنان همگی به سوی خداوند توبه کنید باشد که رستگار گردید.

آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود عبارت است از:

۱. بستن چشم از نگاههای شهوت‌آلود به مردان؛

۲. لزوم پوشش عورت از دیگران (بر هر مرد و زن مسلمان واجب است عورت خود را به استثنای همسر از هر زن و مرد محرم و نامحرم و اطفال ممیز بپوشاند)؛(۳۳)

۳. لزوم پوشش بدن زن و زینت‌های آن؛

۴. جواز آشکار بودن بدن و زینت‌ها در برابر محارم.

مناسب است در اینجا شأن نزول آیه حجاب را بیان کنیم.

روزی جوانی از انصار در یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت که با زنی روبه‌رو گردید که مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار داده، در نتیجه گردن و گوش‌ها و قرص صورت او به طور کامل

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْتِبَاءِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»(۳۳)

(ای پیامبر) به زنان باایمان بگو: دیده‌های خود را فرو بندند و عورت خود را بپوشانند (دامان خود را پاک نگاه دارند) و زیور و زینت خویش بر نامحرم آشکار نسازند مگر آنچه پیداست. و سرپوش‌های خود را بر گریبان‌های خویش اندازند و زینت و جمال خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران، یا پدران، یا پدر شوهران، یا پسران، یا پسران شوهر، یا برادران، یا برادرزادگان، یا خواهرزادگان، یا زنان، یا کنیزان خود، یا مردانی که از زن بی‌نیازند،

سیاسی
اجتماعی



حجاب زن مسلمان بر خلاف آنچه غربی‌ها می‌اندیشند، نشان مظلومیت او نیست. حجاب در اسلام محدودیت نیست، بلکه مصونیت است.

حجاب اسلامی بر خلاف سنت مسیحی نشان و سمبل تسلط و اشراف مرد بر زن یا تبعیت زن از مرد نیست. حجاب اسلامی بر خلاف سنت یهودی سمبل تجمل‌گرایی و تبعیض و تمایز طبقه‌ای از طبقه دیگر نیست. حجاب در اسلام نشان تقوا، پاکدامنی و خدا ترسی زن مسلمان است، هدف و منظور از حجاب اسلامی مصونیت تمام زنان مسلمان است.

قرطبی پس از اشاره به بعضی گفته‌ها در باره این واژه، با اشاره به دیدگاه صحیح می‌گوید: «صحیح این است که جلباب، لباسی است که تمام بدن را می‌پوشاند» (۳۳) زمخشری نیز در «کشاف» می‌نویسد: «جلباب، جامه فراگیری است گسترده‌تر از مقنعه و کوتاه‌تر از رداء» (۳۴) تفسیرهای الجامع لاحکام القرآن (۴۵) و روح المعانی (۴۶) نیز در کنار نظر خویش، این گفته را نقل کرده‌اند. در تفسیر «تبیان» از شیخ طوسی (ره) می‌خوانیم: «جلیب، جمع جلباب است و آن مقنعه زن و سرپوشی است که پیشانی و سر او را هنگام خروج از منزل می‌پوشاند» (۴۷) روح المعانی (۴۸) نیز همین معنا را از ابن جبیر نقل کرده است. مفسران، شأن نزول آیه را با اندکی تفاوت نقل کرده‌اند. مرحوم طبرسی (۴۹) و زمخشری (۵۰)، شأن نزول آیه را تعرض بیمار دلان و مردان فاسد به زنان آزاد، به عذر اشتباه گرفتن آنها با کنیزان دانسته‌اند. زمخشری می‌نویسد:

«زنان در اول اسلام بر اساس آداب و رسوم جاهلی‌شان، پوشش کاملی نداشتند و با پیراهن و روسری میان مردان، ظاهر می‌شدند و هنگامی که شب از خانه خارج می‌گردیدند، جوانان فاسد و هرزه به زنان آزاد

«ای مؤمنان همگی به سوی خداوند توبه کنید، باشد که رستگار گردید.» یکی از چهار پوششی که در حدیثی از حضرت رسول (ص) برای زنان در مقابل مردان نامحرم مشخص شده و قرآن کریم نیز به عنوان الگوی پوشش زنان باایمان به آن تصریح دارد، جلباب است. بیشتر لغت‌شناسان، این واژه را به پوششی گسترده و فراگیر که سر تا پای زن را می‌پوشاند و به تعبیر امروزی، چادر معنا کرده‌اند. در برخی کتاب‌های لغت، از جمله لسان التنزیل (۴۸) و نثر طوبی (۴۹) کلمه جلباب به چادر معنا شده است. علامه طباطبایی (ره) (۴۰) و شیخ محمدجواد مغنیه (ره) (۴۱) ابتدا جلباب را جامه گسترده‌ای که تمام بدن زن، از سر تا قدم را می‌پوشاند دانسته، آنگاه به دیدگاه دیگری اشاره کرده‌اند که می‌گوید: جلباب، خمار یا روسری مخصوصی است که سر و صورت زن را می‌پوشاند.

حاج سلطان محمد جناب‌ذی نیز در «بیان السعادة فی مقامات العبادة» در مورد جلباب می‌نویسد: «جلباب برای زنان، لباس گسترده‌ای است که آن را بر بالای لباس‌ها می‌پوشند و از ملحفه کوتاه‌تر است یا اینکه همان ملحفه است.» (۴۲)

شأن نزول دیگری هم نقل شده است که «اسماء» دختر «مروث» نخلستانی داشت. روزی عده‌ای از زنان مدینه در حالی که لباس سراسری به تن نداشتند، وارد نخلستان شدند. اسماء که دید چادر ندارند و خلخال و گردن و برآمدگی سینه آنها نمایان است، با ناراحتی گفت: این چه حرکت زشتی است که مرتکب شده و با این وضع وارد باغ من شده‌اید؟ خبر به رسول خدا رسید و این آیه نازل شد:

(ای پیامبر) به زنان باایمان بگو... (۴۶) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (۴۷) در خانه‌های خود قرار گیرید و همانند دوره جاهلیت پیشین، آرایش و خودنمایی نکنید.» این آیه خطاب به همسران پیامبر است. اما همان گونه که در معارف فقهی آمده است حکم حجاب همه زنان مسلمان را شامل می‌شود.

از این آیات قرآن معلوم می‌گردد آشکار کردن هر نوع زینت مورد نهی پروردگار عالم، از جمله گناهان است که خداوند مرتکبان آن را به توبه فرا خوانده و در پایان همین آیه فرموده است:



تعرض کرده، مزاحمت ایجاد می‌کردند، آنگاه برای کار خود دلیل می‌آوردند که گمان کردیم کنیز است. بنابراین، زنان آزاد به پوشیدن روپوش‌های گسترده و پوشاندن سر و صورت امر شدند تا بدین شیوه، از کنیزان تشخیص داده شوند و حشمت و وقار آنها، مانع طمع اهل شهوت بدیشان گردد.»^(۵۱)

به یقین، کنیز بودن، نمی‌توانسته عذر موجهی برای منافقان و بیماردلان باشد. از این رو، این تفسیر قابل قبول نیست و به سراغ شأن نزول و تفسیر دیگر مفسران می‌رویم.

تفسیر قمی ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب آورده است:

شأن نزول آیه چنین بود که زنان از خانه بیرون می‌شدند تا به مسجد آیند و دنبال رسول خدا(ص) نماز بخوانند. چون شب می‌شد و زنان برای نماز مغرب و عشا بیرون می‌آمدند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند و متعرض ایشان می‌شدند، از این رو، خدای تعالی این آیه را نازل کرد.^(۵۲)

علامه طباطبایی(ره) در مورد عبارت «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» می‌نویسد: پوشانیدن همه بدن، به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاحند

نزدیک است. در نتیجه، وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند.^(۵۳)

مرحوم طبرسی نیز با وجود اینکه دلیل نزول آیه را جدا ساختن زنان آزاد از کنیزکان دانسته، ولی پس از آن، از حیایی نقل می‌کند که در تفسیر این عبارت گفته است:

«یعنی این نزدیک است به اینکه به حفاظ و پوشش و صلاح شناخته شوند. پس متعرض و مزاحم آنها نشوند، برای آنکه فاسق و زناکار وقتی زنی را به پوشش و عفت شناخت، دیگر مزاحم او نمی‌شود.»^(۵۴)

بر اساس این تفسیر، کارکرد جلباب (چادر)، معرفی زن به دارا بودن عفاف، پاکی و پاکدامنی و جدا کردن زنان عفیف و باحیا، از زنان آلوده، جلف و سبک است که همواره مورد طمع جوانان ولگرد و شهوتران قرار می‌گیرند.

در نتیجه، جلباب تأمین‌کننده امنیت و آرامش زن به شمار می‌آید. وقتی زن پوشیده، سنگین و متین از خانه بیرون رود و با عفت باشد، افراد فاسد و هرزه جرئت نمی‌کنند آزارش دهند. چادر یا هر پوشش گسترده‌ای که زنان روی

لباس‌های خود بپوشند و بدن، زیبایی‌ها و اندام خویش را بدان وسیله از نگاههای آلوده محفوظ دارند، مرزی است که زنان دارای هویت فرهنگی و منزلت انسانی و معنوی را از زنان بی‌هویت، غریزه، ناآگاه و اسیر بند هوا و هوس جدا می‌سازد و امنیت آنان را تضمین می‌کند.^(۵۵)

۲. سیره و عقل

یکی دیگر از ادله وجوب حجاب دینی که بعد از کتاب و سنت سومین دلیل محسوب می‌شود سیره زنان مسلمان از صدر اسلام تا به حال بوده است. آنها همواره در برابر نامحرم بدن و موی سر خود را می‌پوشانده‌اند و این عمل آنها ناشی از دستور پیامبر اکرم(ص) و ائمه هدئی بوده است.

عقل نیز یکی دیگر از ادله لزوم پوشیدگی زن است. عقل انسان حکم می‌کند که به آنچه منافع سالم و مورد نیاز او را تأمین می‌کند و یا زیانی را از او دور می‌سازد مبادرت ورزد. پوشیدگی زن همان گونه که در مباحث آثار حجاب و بی‌حجابی خواهد آمد آثار مثبتی نظیر آرامش درونی، امنیت، مصونیت زن و جامعه از مفاسد اجتماعی، رشد و پرورش

وقتی زن پوشیده، سنگین و متین از خانه بیرون رود و با عفت باشد، افراد فاسد و هرزه جرئت نمی‌کنند آزارش دهند.

چادر یا هر پوشش گسترده‌ای که زنان روی لباس‌های خود بپوشند

و بدن، زیبایی‌ها و اندام خویش را بدان وسیله از نگاههای آلوده محفوظ دارند، مرزی است که زنان دارای هویت فرهنگی و منزلت انسانی و معنوی را از زنان بی‌هویت، غریزه، ناآگاه و اسیر بند هوا و هوس جدا می‌سازد و امنیت آنان را تضمین می‌کند.

استعدادهای زن، تحکیم خانواده، سلامت نسل، صیانت ارزش‌های والای زن، موفقیت‌های معنوی و اطاعت از پروردگار را به همراه دارد، نیز از زیان‌هایی نظیر تزلزل خانواده، ایجاد جو غفلت، سقوط ارزش‌های زن، بلوغ زودرس جنسی جوانان، اسارت روح و غضب پروردگار پیشگیری می‌کند. بنابراین هر عقلی که اسیر زنجیر شهوت و اوهام نباشد به لزوم آن حکم خواهد کرد اگر چه به ادیان الهی پای‌بند نباشد چه اینکه جوانه‌های پذیرش فرهنگ حجاب در بین برخی زنان غربی که خسارت‌های ناشی از برهنگی زن را کاملاً احساس می‌کنند آشکار شده است. حجاب یک وظیفه اخلاقی برای همهٔ زنان عقیف با هر گونه عقیده است. (۵۶)

پی‌نوشتها:

- ۱- حجاب در عصر ما، ص ۱۵.
- ۲- مقدمه‌ای بر روانشناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، ص ۲۰۶.
- ۳- سوره اعراف، آیه ۲۲.
- ۴- سوره اعراف، آیه ۲۲.
- ۵- همان، آیه ۲۶.
- ۶- همان، آیه ۲۷.
- ۷- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۲.

- ۸- همان، ص ۳۰.
- ۹- Menachem Brayer.
- ۱۰- Abdel Axeem. sherif, op. cit, p. 22.
- ۱۱- حجازی، بنفشه، زن به ظن تاریخ، تهران، شهر آب، ج ۱، ص ۱۴۱.
- ۱۲- همان، ص ۱۹۸.
- ۱۳- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، مصحح: ژول مول، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۷، ص ۲۲۳.
- ۱۴- رب، آ. دزی، فرهنگ البسه مسلمانان، مترجم: حسینعلی هروی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۱۲۹.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- محمد، اسدالله، گزیده‌ای از بهشت جوانان، قم، سبط اکبر، ج ۱، ص ۱۸۳.
- ۱۷- سوره احزاب، آیه ۵۳.
- ۱۸- عابدینی، احمد، سیری در آیات حجاب، مجله فقه، ش ۲۳، ص ۷، بهار ۷۹، ص ۵۱.
- ۱۹- سوره نور، آیه ۳۱.
- ۲۰- فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۶، برگرفته از العین، ج ۷، ص ۲۸۷.
- ۲۱- فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۳، ص ۲۰۵.
- ۲۲- مسئله حجاب، ص ۱۸۱.
- ۲۳- فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب ما یحل النظر الیه من المرأة، ص ۵۲۱، ج ۱.
- ۲۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۰۹، ص ۱۴۶، ج ۵.
- ۲۵- ابی‌داوود سلیمان بن اشعث سجستانی الازدی، سنن ابی‌داوود دار احیاء السنة النبویة، ج ۴، باب فیما تبذی المرأة من زینتها، ص ۶۳.
- ۲۶- سوره نور، آیه ۳۱.
- ۲۷- همان، آیه ۶۰.
- ۲۸- ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۵، ذیل آیه ۶۰ سوره نور.
- ۲۹- چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۵۵-۵۹.
- ۳۰- سوره نور، آیه ۳۱-۳۰.
- ۳۱- سوره احزاب، آیه ۵۹.
- ۳۲- سوره نور، آیه ۴.
- ۳۳- سوره نور، آیه ۳۱.
- ۳۴- عروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الستر و الساتر، مسئله ۱.
- ۳۵- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۸ و ۱۳۹.
- ۳۶- سوره نور، آیه ۳۱، نمونهٔ بینات در شأن نزول آیات، ص ۵۶۸ به نقل از تفسیر ابن‌ابی‌حاتم.
- ۳۷- سوره احزاب، آیه ۳۳.
- ۳۸- محقق، مهدی، لسان التنزیل، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۴، لغات سوره احزاب، ص ۱۰۳.
- ۳۹- شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۱، ص ۱۳۳، واژه جلباب.
- ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰ و ۵۰۹.
- ۴۱- کاشف، ج ۶، ص ۳۳۹.
- ۴۲- جنابزی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ج ۲، ص ۲۵۶.
- ۴۳- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۳.
- ۴۴- تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۵۹.
- ۴۵- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۳.
- ۴۶- روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.
- ۴۷- الثیبان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۶۱.
- ۴۸- روح المعانی، ج ۲۲، ص ۸۸.
- ۴۹- ابوالفضل بن الحسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حاج‌شیخ محمد رازی، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۵۰- کشف، ج ۳، ص ۵۵۹.
- ۵۱- همان.
- ۵۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، نجف، مکتبه الهدی، ۱۳۸۷ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۹.
- ۵۳- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۰.
- ۵۴- ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۰، ص ۱۷۷.
- ۵۵- چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن، ص ۹۳.
- ۵۶- حجاب در عصر ما، ص ۳۴.

عقل انسان حکم می‌کند که به آنچه منافع سالم و مورد نیاز او را تأمین می‌کند و یا زیانی را از او دور می‌سازد مبادرت ورزد. پوشیدگی زن همان گونه که در مباحث آثار حجاب و بی‌حجابی خواهد آمد آثار مثبتی نظیر آرامش درونی، امنیت مصونیت زن و جامعه از مفاسد اجتماعی، رشد و پرورش استعدادهای زن، تحکیم خانواده، سلامت نسل، صیانت ارزش‌های والای زن، موفقیت‌های معنوی و اطاعت از پروردگار را به همراه دارد، نیز از زیان‌هایی نظیر تزلزل خانواده، ایجاد جو غفلت، سقوط ارزش‌های زن، بلوغ زودرس جنسی جوانان، اسارت روح و غضب پروردگار پیشگیری می‌کند.